

پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی

سال هجتم، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۷

صص ۲۲۲-۲۰۳



سازمان حسابداری

بررسی تطبیقی کیفیت گزارشگری مالی و سطح افشای داوطلبانه در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

غلامحسین مهدوی*، عیسی کریمی پور**

چکیده

هزینه نمایندگی نوع اول (هزینه نمایندگی ناشی از جدایی مالکیت و مدیریت) در شرکت‌های خانوادگی نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی کم‌تر است. در حالی که، هزینه نمایندگی نوع دوم (هزینه نمایندگی ناشی از اختلاف سهامداران کنترل‌کننده و غیرکنترل‌کننده) در شرکت‌های خانوادگی نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی بیشتر است. تفاوت شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی در این دو نوع هزینه نمایندگی منجر به تفاوت کیفیت گزارشگری می‌شود. بنابراین، پژوهش حاضر تفاوت کیفیت گزارشگری مالی و سطح افشای داوطلبانه را در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی بررسی می‌کند. برای سنجش کیفیت گزارشگری مالی از جمع اقلام تعهدی اختیاری به کل دارایی‌ها استفاده شده است و سطح افشای داوطلبانه از طریق چک‌لیست بوتوسان، تعدیل شده به وسیله کاشانی پور و همکاران، اندازه‌گیری شد. نمونه مورد بررسی شامل ۲۷ شرکت خانوادگی و ۷۸ شرکت غیرخانوادگی است. نتایج آزمون t مستقل نشان می‌دهد که بین کیفیت گزارشگری مالی و سطح افشای داوطلبانه در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی تفاوت معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: شرکت‌های خانوادگی، شرکت‌های غیرخانوادگی، اقلام تعهدی

اختیاری، افشای داوطلبانه، هزینه‌های نمایندگی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۴

* استاد حسابداری، دانشگاه شیراز

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۲

** دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه شیراز

نویسنده مسئول: غلامحسین مهدوی ghmahdavi@rose.shirazu.ac.ir

مقدمه

در سالهای اخیر، کیفیت اطلاعات به یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های سازمان‌ها و زمینه فعالی از سیستم اطلاعات مدیریت^۱ مبدل شده است. رشد مخازن داده‌ها و افزایش دسترسی مستقیم مدیر و استفاده کنندگان به منابع اطلاعاتی مختلف نیاز به فهم و بهبود کیفیت اطلاعات را افزایش داده است (لی و همکاران^۲، ۲۰۰۲: ۱۳۳). ارائه اطلاعاتی درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری مهم‌ترین هدف صورت‌های مالی است که برای اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی سرمایه‌گذاران و سایر دینفغان مفید واقع می‌شود (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۱: ۴۸۱). زمانی که صورت‌های مالی این اهداف را تأمین کنند از کیفیت مناسبی برخوردار خواهد بود (مقدم و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰).

یکی از مهم‌ترین وظایفی که حاکمیت شرکتی بر عهده دارد اطمینان‌بخشی نسبت به کیفیت فرایند گزارشگری مالی است. کمیته روبان آبی^۳ (۱۹۹۹) در گزارش خود از حساب‌رسان مستقل خواسته است افزون بر بررسی قابل قبول بودن رویه‌های استفاده شده در گزارشگری مالی، در مورد کیفیت آن‌ها نیز با کمیته حسابرسی شرکت‌های گزارشگر مذاکره کنند (حساس یگانه و باغومیان، ۱۳۸۴: ۴۷). این پژوهش تأثیر یکی از اجزای مهم حاکمیتی (مالکیت خانوادگی) را بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی می‌کند.

شلیفر و ویشنی^۴ (۱۹۹۷) بر اهمیت مطالعه ویژگی‌های شرکت‌های خانوادگی به منظور درک بهتر کارایی اقتصادی نظام‌های راهبری متفاوت تأکید می‌کنند. در سال‌های اخیر، پژوهش‌های زیادی در مورد ویژگی‌های متفاوت شرکت‌های خانوادگی انجام شده است. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها هزینه‌های نمایندگی است. در مورد شرکت‌های سهامی عام، دو نوع اصلی هزینه‌های نمایندگی وجود دارد. نوع اول هزینه‌های نمایندگی از جدایی مالکیت و مدیریت ناشی می‌شود. جدایی مدیر از مالکین شرکت باعث می‌شود که مدیر به طور کامل در راستای اهداف سهامداران حرکت نکند. نوع دوم هزینه‌های نمایندگی از تضاد بین سهامداران کنترل‌کننده و غیرکنترل‌کننده ناشی می‌شود. سهامداران کنترل‌کننده به دنبال کسب منافع با هزینه سهام‌داران غیرکنترل‌کننده هستند (علی و همکاران^۵، ۲۰۰۷: ۲۴۱).

هزینه‌های نمایندگی نوع اول (هزینه‌های نمایندگی ناشی از جدایی مالکیت و مدیریت) در شرکت‌های خانوادگی نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی کم‌تر است. در حالی که،

هزینه‌های نمایندگی نوع دوم (هزینه‌های نمایندگی ناشی از اختلاف سهامداران کنترل‌کننده و غیرکنترل‌کننده) در شرکت‌های خانوادگی نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی بیشتر است (علی و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۳۹). پژوهش حاضر نحوه تأثیر تفاوت هزینه‌های نمایندگی بین شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی را بر کیفیت گزارشگری مالی و سطح افشای داوطلبانه آن‌ها بررسی می‌کند.

مبانی نظری و بسط فرضیه‌ها

جدایی مالکیت و مدیریت (هزینه‌های نمایندگی نوع اول)

شرکت‌های خانوادگی چند ویژگی دارند که باعث می‌شود احتمال فعالیت مدیر در راستای بهترین منافع سهامداران کاهش یابد. اول این که خانواده‌ها به نگهداری سهام غیرمتنوع و متمرکز در شرکت‌هایشان علاقه‌مند هستند. بنابراین، خانواده‌ها انگیزه قوی برای نظارت بر مدیران دارند. دوم، خانواده از فعالیت شرکت دانش و آگاهی کافی دارد و این امر نظارت بیشتر بر فعالیت‌های هیئت‌مدیره را تسهیل می‌کند. سوم، خانواده نسبت به سایر سهامداران افق سرمایه‌گذاری بلندمدت‌تری دارد. بنابراین، خانواده مانع از تصمیم‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت مدیر می‌شود. به طور خلاصه، در مقایسه با شرکت‌های غیرخانوادگی، شرکت‌های خانوادگی با فعالیت‌ها و اطلاعات مخفی مربوط به هزینه‌های نمایندگی ناشی از جدایی مدیریت و مالکیت کم‌تری روبه‌رو هستند (علی و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۴۱).

تضاد بین سهامداران کنترل‌کننده و غیرکنترل‌کننده (هزینه‌های نمایندگی نوع دوم)

در شرکت‌های خانوادگی، سهامداران خانوادگی دارای کنترل شدید در نتیجه نگهداری سهام شرکت به صورت متمرکز، حق رأی فراتر از حقوق مربوط به جریان‌های نقدی و تسلط بر اعضای هیئت‌مدیره هستند. این کنترل و برتری به آن‌ها امکان می‌دهد به دنبال کسب منافع خصوصی با هزینه سایر سهامداران به خصوص سهامداران اقلیت باشند (علی و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۴۲). مؤسسان شرکت خانوادگی به دلیل مالکیت قابل‌ملاحظه حقوق، جریان‌های نقدی، دارای انگیزه و قدرت لازم برای اقدام در جهت منافع خود به هزینه عملکرد شرکت می‌شود (اندرسون و ریپ، ۲۰۰۳: ۱۳۰۴).

چندین عامل باعث کاهش اختلاف هزینه‌های نمایندگی نوع دوم بین شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی می‌شود. هرگاه اعضای خانواده به دنبال کسب منافع خصوصی

باشند، ممکن است این فعالیت آن‌ها به وسیله بازار کشف شود و با توجه به کارایی بازار، به دلیل ارزش بازار کم‌تر متحمل زیان‌های اساسی شوند. به خصوص که مالکین خانوادگی دارای مالکیت متمرکز بر سهام شرکتشان هستند و سهام خود را در بلندمدت نگهداری می‌کنند. هم‌چنین، قوانین زیادی برای حمایت از سهامداران غیرکنترل‌کننده وجود دارد (علی و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۴۲).

کیفیت گزارشگری مالی

کیفیت گزارشگری مناسب با منافع گسترده در بازار سرمایه همراه است. ولکر^۶ (۱۹۹۵)، لانگ و لاندلم^۷ (۱۹۹۶) و هیلی و همکاران (۱۹۹۹) نشان داده‌اند که شرکت‌های دارای کیفیت افشای بالاتر دارای تحلیل بیشتر، نوسان کم‌تر سود پیش‌بینی شده به وسیله تحلیل‌گران، خطای پیش‌بینی کم‌تر، نوسان کم‌تر در بازبینی پیش‌بینی‌ها و دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش^۸ کم‌تری هستند.

شرکت‌های خانوادگی به دلیل توانایی نظارت مستقیم بر مدیریت با مشکل نمایندگی نوع اول (مسئله نمایندگی ناشی از جدایی مالکیت و مدیریت) کم‌تری روبه‌رو هستند (دیمتر و لن^۹، ۱۹۸۵). برای کاهش این هزینه‌ها، شرکت‌های غیرخانوادگی برای جبران خدمات مدیران خود از معیارهای ارزیابی عملکرد مبتنی بر سود گزارش شده استفاده می‌کنند. از سوی دیگر شرکت‌های خانوادگی به دلیل نظارت بیشتر بر مدیران، حقوق و مزایای مدیران را بر مبنای اطلاعات مربوط به تلاش مدیران که از نظارت مستقیم بر آنان به دست آمده است، تعیین می‌کنند (علی و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۴۲ و ۲۴۳). بنابراین، از آنجا که حقوق و پاداش مدیران در شرکت‌های خانوادگی وابستگی کم‌تری به سود گزارش شده دارد، احتمال این که مدیر سود را در جهت منافع خود دستکاری کند، کاهش یافته و کیفیت سود افزایش می‌یابد (هیلی و پالپو^{۱۰}، ۲۰۰۱ و فیلدز و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۱). افزایش کیفیت سود نتیجه استفاده کم‌تر مدیر از اقلام تعهدی اختیاری برای اعمال مدیریت بر سود است و بهبود کیفیت گزارشگری مالی را در پی دارد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش بیانگر وجود تفاوت بین کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی است. فرضیه اول: بین کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی تفاوت معناداری وجود دارد.

افشای داوطلبانه

شرکت‌های خانوادگی ممکن است اطلاعات کمتری افشا کنند؛ زیرا اعضای خانوادگی کنترل‌کننده در هیئت مدیره خواهان سطح افشای کم‌تری در گزارش‌های سالانه هستند (هو و وانگ، ۲۰۰۱). دلیل منطقی این امر آن است که اعضای خانوادگی کنترل‌کننده که هم از سهامداران اصلی و هم عضو هیئت مدیره هستند، دسترسی مستقیم به اطلاعات مالی و غیرمالی دارند و بنابراین نیاز کم‌تری به افشا دارند (چو و گری^{۱۲}، ۲۰۱۰: ۹۵).

تأثیر مالکیت خانوادگی بر افشای اختیاری پیچیده است و از دو نظریه مالی متفاوت می‌توان آن را مدنظر قرار داد: همگرایی منافع^{۱۳} و سنگربندی (جبهه‌گیری) مدیریت^{۱۴}.

هرگاه تعداد سهام مالک قابل ملاحظه باشد، بین مالک و سرمایه‌گذاران برون‌سازمانی همگرایی منافع به وجود می‌آید. با افزایش مالکیت مالک-مدیر تضاد منافع بین مالک-مدیر و سرمایه‌گذاران برون‌سازمانی و در نتیجه، نیاز به افشای داوطلبانه کاهش می‌یابد. پژوهش‌های گذشته (کومار و تستکاس^{۱۵}، ۱۹۹۳ و رایت و همکاران^{۱۶}، ۱۹۹۶) نشان داده است در صورتی که افراد درون‌سازمانی حجم عظیمی از سهام را در اختیار داشته باشند، ممکن است محافظت (سنگربندی) شده و سیاست‌هایی را دنبال کنند که فقط بهترین منافع آنان را تأمین کند. بنابراین، سنگربندی مدیریت در شرایطی رخ می‌دهد که نگهداشت سهام افراد درون‌سازمانی بالا باشد (مورک و همکاران^{۱۷}، ۱۹۹۸) و موجب نامتقارنی اطلاعات بین سرمایه‌گذاران درون‌سازمانی و برون‌سازمانی می‌شود و در نتیجه، سرمایه‌گذاران برون‌سازمانی نظارت خود بر رفتار مالک-مدیر را به منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی افزایش می‌دهند. در این شرایط افشای داوطلبانه به وسیله مدیر-مالک ابزاری است برای کاهش نظارت سرمایه‌گذاران برون‌سازمانی. انتظار می‌رود با افزایش سهم مالک-مدیر از سهام (سنگربندی مدیریت)، میزان افشای داوطلبانه نیز افزایش یابد. فرضیه دوم: سطح افشای داوطلبانه در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی متفاوت است.

پیشینه

علی و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی افشای شرکت‌های خانوادگی را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که شرکت‌های خانوادگی سود با کیفیت‌تری افشا می‌کنند، اما در مورد فعالیت‌های حاکمیت شرکتی خود سطح افشای کم‌تری دارند.

چن و همکاران^{۱۸} (۲۰۰۸) در پژوهشی به بررسی مسأله افشای داوطلبانه اطلاعات در شرکت‌های خانوادگی پرداختند. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که در مقایسه با شرکت‌های غیرخانوادگی، شرکت‌های خانوادگی پیش‌بینی کم‌تری در مورد سودهای آتی خود در اختیار گروه‌های استفاده‌کننده از اطلاعات قرار می‌دهند، اما در مقابل، هشدارهای بیشتری درباره سود^{۱۹} دارند. از آن جا که مؤسسين شرکت با مالکین خانوادگی که مالک بخش عمده‌ای از سهام شرکتند، سازگار و موافقند، راهبری و نظارت مدیریت بهتر انجام می‌شود و نامتقارنی اطلاعات بین مالکان و مدیران در شرکت‌های خانوادگی کم‌تر از شرکت‌های دیگر است. هم‌چنین، آن‌ها نشان دادند که مالکیت خانوادگی نسبت به مالکیت سایر گروه‌های داخلی غیرخانوادگی برتری دارد و مالکیت نهادی توجیه‌کننده افشای داوطلبانه اطلاعات است.

جو و گری (۲۰۱۰) ارتباط میزان افشای اختیاری، استقلال هیئت مدیره و میزان مالکیت خانوادگی را با استفاده از داده‌های افشای اختیاری ۲۷۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار هنگ‌کنگ در سال ۲۰۰۲ بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که سطوح بالای مالکیت خانوادگی با افشای داوطلبانه بیشتر همراه است. هم‌چنین، استقلال رئیس هیئت مدیره نیز با سطح افشای داوطلبانه رابطه مستقیم دارد.

هاشیم (۲۰۱۱) با بررسی نمونه‌ای متشکل از ۷۷ شرکت خانوادگی و ۷۷ شرکت غیرخانوادگی در بازه زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۷ شامل ۴۶۲ مشاهده در بورس مالزی نشان داد که تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود شرکت‌ها با تغییر مالکیت تغییر می‌کند.

راجگوپال و وینکتچالم^{۲۰} (۲۰۱۱) رابطه کیفیت گزارشگری مالی و پراکندگی بازده غیرعادی سهام را بررسی کردند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که کاهش در کیفیت گزارشگری مالی باعث افزایش پراکندگی بازده غیرعادی سهام شرکت‌ها می‌شود.

کوادرادو-بالستراس و همکاران^{۲۱} (۲۰۱۵) با بررسی نمونه‌ای ترکیبی از شرکت‌های بین‌المللی در بازه زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۷ نقش اعضای مستقل هیئت مدیره شرکت‌های خانوادگی در افشای مسئولیت‌های اجتماعی را بررسی کردند. نتیجه کلی پژوهش آنان حاکی از رابطه مثبت بین تعداد مدیران مستقل و سطح افشای مسئولیت‌های اجتماعی بود.

نتایج پژوهش رز^{۲۲} (۲۰۱۶) نشان داد که بین منابع افشا و مطابقت با مقررات حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌های دانمارکی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

عرب مازار یزدی و طالبیان (۱۳۸۸) تأثیر کیفیت گزارشگری مالی و خطر اطلاعاتی را بر هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۸۰ بررسی کردند. یافته‌های پژوهش آنان بیانگر این بود که هزینه سرمایه شرکت‌های دارای اقلام تعهدی پایین از هزینه سرمایه شرکت‌های با کیفیت اقلام تعهدی بالا، بیشتر است.

سجادی و همکاران (۱۳۸۸) رابطه بین پنج ویژگی غیرمالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را شامل ساختار مالکیت بر کیفیت گزارشگری مالی بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که اندازه شرکت، عمر شرکت و نوع صنعت رابطه مثبت معنادار و ساختار مالکیت رابطه منفی با کیفیت گزارشگری مالی دارد، اما رابطه نوع مؤسسه حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی از لحاظ آماری معنادار نبود.

ثقفی و عرب مازار یزدی (۱۳۸۹) رابطه بین کارایی سرمایه‌گذاری و کیفیت گزارشگری مالی را برای ۱۵۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۷-۱۳۷۹ بررسی کردند. برای ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی از الگوهای کیفیت اقلام تعهدی استفاده شد و نتایج پژوهش نشان داد که بین این دو متغیر هیچ گونه همبستگی معناداری وجود ندارد.

نمازی و محمدی (۱۳۸۹) کیفیت سود و بازده شرکت‌های خانوادگی و شرکت‌های غیرخانوادگی را مقایسه کردند. برای این هدف ۳۹ شرکت خانوادگی و ۷۹ شرکت غیرخانوادگی را در بازه زمانی ۱۳۸۶-۱۳۸۱ بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین کیفیت سود مبتنی بر نسبت وجه نقد عملیاتی به سود و هم‌چنین نسبت انحراف معیار سود عملیاتی به انحراف معیار وجه نقد عملیاتی در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی تفاوت معناداری وجود ندارد. هم‌چنین، میانگین بازده شرکت‌های خانوادگی با شرکت‌های غیرخانوادگی تفاوت معناداری نداشت.

خواجهی و همکاران (۱۳۹۱) کیفیت گزارشگری مالی را با استفاده از الگوی بارث و همکاران (۲۰۰۱) در شرکت‌های در مانده و غیردر مانده مالی در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان حاکی از این بود که کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های غیردر مانده پایین تر است و از پایداری کم‌تری برخوردار است.

مهرانی و پروائی (۱۳۹۳) کیفیت افشای شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی را بررسی

کردند. امتیازهای افشای اختصاص داده شده به وسیله سازمان بورس و اوراق بهادار و ارقام تعهدی اختیاری به عنوان شاخص کیفیت افشا استفاده شد. نتایج پژوهش آنان نشان از برتری نداشتن کیفیت افشای شرکت‌های خانوادگی نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی بود. موسوی شیرینی و همکاران (۱۳۹۴) تفاوت هزینه نمایندگی در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی و هم‌چنین رابطه مالکیت خانوادگی و هزینه نمایندگی را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد بین هزینه نمایندگی مبتنی بر نسبت هزینه‌های عملیاتی به فروش سالانه و نسبت گردش دارایی‌ها با میزان مالکیت خانوادگی رابطه معنادار وجود دارد، اما بین هزینه‌های نمایندگی مبتنی بر نسبت هزینه‌های عملیاتی به فروش سالانه و نسبت گردش دارایی‌ها در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی تفاوت معناداری وجود ندارد.

مهدوی و عزیزاده طلائی (۱۳۹۴) رابطه‌ی بین حاکمیت شرکتی و سطح افشای داوطلبانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. در رابطه با حاکمیت شرکتی سه معیار مالکیت نهادی، درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره و یکسانی رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل انتخاب شد. با بررسی ۷۱ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۲-۱۳۹۰ پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که بین تعداد مدیران غیرموظف و یکسانی رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل با سطح افشای داوطلبانه، به ترتیب، رابطه مستقیم و معکوس وجود دارد، اما بین مالکیت نهادی و سطح افشای داوطلبانه رابطه معناداری مشاهده نشد.

عزیزی و سلمانی بیدگلی (۱۳۹۵) با تکیه بر اسناد مالکیت ثبتی (جنبه مالکیت خانوادگی) شرکت‌های فعال در زمینه تولید فرش، اقدام به شناسایی ۱۶۳ شرکت خانوادگی کردند و سپس اثر اعتماد بر عملکرد را با استفاده از معیارهای ارزیابی متوازن در این شرکت‌ها بررسی کردند. نتایج نشان داد که متغیرهای پژوهش، ۵۱ درصد از واریانس متغیر عملکرد شرکت را تبیین می‌کنند.

جامعه و نمونه

جامعه آماری این پژوهش، شامل تمام شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود که شرایط زیر را داشته باشند:

۱. سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

۲. اطلاعات مالی مورد نیاز برای انجام این پژوهش را به طور کامل ارائه کرده باشد.

۳. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌ها نباشد.

بر اساس معیارهای بالا، نمونه آماری پژوهش، شامل ۱۰۵ شرکت می‌شود که ۲۷ شرکت آن خانوادگی و ۷۸ شرکت دیگر غیرخانوادگی است. هم‌چنین، دوره مورد بررسی برای متغیر افشای داوطلبانه سال ۱۳۹۰ و برای کیفیت گزارشگری مالی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی است. طرح آن از نوع شبه‌تجربی و با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی است و برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات آن از روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. از روش پس‌رویدادی زمانی استفاده می‌شود که پژوهشگر پس از وقوع رویداد به بررسی موضوع می‌پردازد و امکان دستکاری متغیرهای مستقل وجود ندارد (نمازی، ۱۳۸۹: ۳۵). از سوی دیگر، از آنجا که در پژوهش حاضر، به دنبال مقایسه کیفیت و دامنه افشای اطلاعات در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی هستیم، این پژوهش در زمره پژوهش‌های علی - مقایسه‌ای^۱ قرار می‌گیرد. به پژوهش‌های علی - مقایسه‌ای، پس‌رویدادی نیز گفته می‌شود زیرا علت و معلول (متغیر مستقل و وابسته) پس از وقوع مورد بررسی قرار می‌گیرند.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش مبنی بر وجود تفاوت در کیفیت گزارشگری مالی و سطح افشای داوطلبانه شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی، باید از آزمون مقایسه میانگین‌ها استفاده کرد. برای مقایسه میانگین دو جامعه، ابتدا باید بررسی شود که آیا واریانس دو جامعه با هم برابر است یا خیر. به عبارت دیگر، آزمون تساوی واریانس‌ها مقدم بر آزمون تساوی میانگین‌ها است. در این پژوهش برای مقایسه میانگین از آزمون t مستقل و برای آزمون برابری واریانس دو نمونه از آزمون لون^{۲۳} استفاده شده است. هم‌چنین، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ انجام شده است.

متغیرها**شرکت‌های خانوادگی**

تعاریف متعدد و متنوعی از شرکت‌های خانوادگی وجود دارد. چو و همکاران^{۲۴} (۱۹۹۹)، تعدادی از تعاریف به کار رفته را بررسی و عنوان کردند که تعریف مشخص و کاملاً واضحی از شرکت خانوادگی وجود ندارد. در پژوهش حاضر از تعریف نمازی و محمدی (۱۳۸۹) به شرح زیر استفاده شده است، زیرا متناسب با شرایط اقتصادی ایران است.

شرکت‌هایی به عنوان خانوادگی تلقی می‌شوند که یا حداقل بیست درصد از سهام آن‌ها به صورت فردی یا گروهی در دست اعضای خانواده باشد، و یا حداقل یکی از اعضای نسبی یا سببی خانواده، عضو هیأت مدیره و یا مدیر اجرایی بوده و به‌طور فعالی در هیأت مدیره شرکت، مشارکت داشته باشد و حداقل دو نسل از خانواده در کنترل شرکت نقش داشته باشد (نمازی و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۲).

کیفیت گزارشگری مالی

انتظار می‌رود شرکت‌های با عملکرد ضعیف تجاری که وجوه نقد عملیاتی اندکی گزارش کرده‌اند به منظور گمراهی بازار یا دلایل دیگر سود خود را از طریق ارقام تعهدی اختیاری افزایش دهند (مشایخی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۷). بنابراین، افزایش ارقام تعهدی اختیاری منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود. هم‌چنین، ارقام تعهدی توان اطلاع‌دهندگی سود را از طریق هموارسازی نوسان‌های جریان‌های نقدی بهبود می‌بخشد و هنگامی که از ارقام تعهدی به منظور برآورد جریان‌های نقدی و سودهای آتی استفاده می‌شود، در صورتی که خطای اندکی در فرآیند تخمین ارقام تعهدی وجود داشته باشد، این برآوردها بسیار قابل اتکا است (ثقفی و عرب مازار یزدی، ۱۳۸۹: ۹). بنابراین، شاخص کیفیت گزارشگری مالی در این پژوهش جمع ارقام تعهدی اختیاری است که برای حذف اثر اندازه شرکت، به کل دارایی‌ها تقسیم شده است. برای به دست آوردن ارقام تعهدی اختیاری ابتدا باید جمع ارقام تعهدی محاسبه شود. در این پژوهش، رویکرد ترازنامه‌ای برای سنجش کل ارقام تعهدی استفاده می‌شود و رابطه آن به صورت زیر است:

$$TA_{it} = \Delta CA_{it} - \Delta CASH_{it} - \Delta CL_{it} + \Delta DCL_{it} - DEP_{it} \quad \text{رابطه ۱}$$

که در آن:

TA_{it} : جمع اقلام تعهدی در سال t برای شرکت i

ΔCA_{it} : تغییر در دارایی‌های جاری در سال t برای شرکت i

$\Delta CASH_{it}$: تغییر وجوه نقد در سال t برای شرکت i

ΔCL_{it} : تغییر بدهی‌های جاری در سال t برای شرکت i

ΔDCL_{it} : تغییر بدهی‌ها در سال t برای شرکت i

DEP_{it} : هزینه استهلاک در سال t برای شرکت i

با وجود روش‌های گوناگون برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری، در این مطالعه از الگوی تعدیل شده کازنیک استفاده می‌شود که به وسیله بهارمقدم و کوهی (۱۳۸۹) با توجه به محیط اقتصادی ایران، تعدیل شده است. ستایش و همکاران (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود از این الگو استفاده کردند. لازم به ذکر است که وجه تمایز الگوی زیر با الگوی کازنیک (۱۹۹۹)، اضافه شدن تغییرات موجودی کالا (به دلیل قابل توجه بودن سهم موجودی‌های کالا از دارایی‌های جاری شرکت‌ها و اثرات تورمی آن با توجه به شرایط اقتصادی ایران) به سایر عوامل الگوی کازنیک است. این الگو به صورت زیر است:

$$\frac{TA_{it}}{T.Ast_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left[\frac{\Delta REV_{it} - \Delta R.A_{it} + \Delta INV_{it}}{T.Ast_{it-1}} \right] + \beta_2 \left[\frac{PPE_{it}}{T.Ast_{it-1}} \right] + \beta_3 \left[\frac{\Delta CFO_{it}}{T.Ast_{it-1}} \right] + \varepsilon_{it}$$

که در آن ΔREV میزان تغییر در درآمد در سال t ، $\Delta R.A$ میزان تغییر در حساب‌های دریافتی در سال t ، ΔINV میزان تغییر در موجودی کالا در سال t ، $T.Ast$ میزان کل دارایی‌ها در سال $t-1$ ، PPE میزان دارایی‌های ثابت مشهود در سال t و ΔCFO میزان تغییر در جریان وجوه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی در سال t است. لازم به ذکر است که در این الگو، اقلام تعهدی غیراختیاری (NDA)، ارزش‌های تثبیت شده است و اقلام تعهدی اختیاری (DA) به صورت باقیمانده‌ها تعریف می‌شود.

افشای داوطلبانه

برای سنجش افشای داوطلبانه، از چک‌لیست بوتوسان، تعدیل شده به وسیله کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۸۸) که شامل ۷۱ شاخص در شش بخش کلی پیشینه اطلاعاتی، خلاصه‌ای از عملکرد تاریخی، آماره‌های کلیدی غیرمالی، اطلاعات بخش‌ها، اطلاعات پیش‌بینی و بحث و تحلیل مدیریت است. امتیاز افشای داوطلبانه از تقسیم مجموع امتیاز حاصل از شش بخش بر کل امتیاز قابل دریافت (۱۳۴) به دست آمده است.

یافته‌ها

آمار توصیفی

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آمار توصیفی متغیرهای مورد مطالعه محاسبه و در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: آمار توصیفی

متغیر	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
شرکت‌های خانوادگی	کیفیت گزارشگری مالی	۱۰۸	-۱/۰۲	۱/۱۲	۰/۶۰۲۹
	سطح افشای داوطلبانه	۲۷	۰/۰۱	۰/۵	۰/۱۰۹۵
شرکت‌های غیرخانوادگی	کیفیت گزارشگری مالی	۳۱۲	-۱/۲۶	۱/۸۲	۲/۲۶۹۲
	سطح افشای داوطلبانه	۸۷	۰/۰۱	۰/۶۲	۰/۳۳۵۶

همانگونه که مشاهده می‌شود میانگین سطح افشای داوطلبانه و نسبت اقلام تعهدی اختیاری به کل دارایی‌ها در شرکت‌های غیرخانوادگی از شرکت‌های خانوادگی بیشتر است. هم‌چنین، با توجه به اینکه هر دو متغیر این پژوهش نسبت‌های دارای نوسان اندک هستند (امتیاز افشای داوطلبانه بین صفر و یک)، میزان انحراف استاندارد آن‌ها بسیار کم است.

آزمون فرضیه اول

نتایج مربوط به مقایسه کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون فرضیه اول									
آزمون برابری واریانس لون							آزمون برابری میانگین t		
فرض برابری واریانس‌ها	آماره F	معناداری	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین اختلاف	خطای استاندارد اختلاف	فاصله اطمینان اختلاف در سطح ۹۵٪	
								بالا	پایین
برابری واریانس‌ها	۲۳/۶۷۵	۰/۰۰۰	۱/۱۷۸	۴۱۸	۰/۲۴۲	۰/۲۰۳۷	۰/۱۷۲۹	-۰/۱۳۹۳	۰/۴۵۶۸
برابر نبودن واریانس‌ها	-	-	۱/۹۷۱	۲۹۳/۷۱۵	۰/۰۵۲	۰/۲۰۳۷	۰/۱۰۳۳	-۰/۰۰۱۸	۰/۴۰۹۳

نتایج آزمون لون شامل آماره f (۲۳/۶۷۵) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) مندرج در جدول ۲ بیانگر این است که واریانس گروه شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی با هم برابر نیست. بنابراین، برای مقایسه میانگین این دو گروه شرکت، باید از مقدار t مستقل در حالت برابر نبودن واریانس‌ها استفاده کرد.

میزان آماره t (۱/۹۷۱) و سطح معناداری (۰/۰۵۲) بیانگر نبود تفاوت معنادار بین نسبت جمع اقلام تعهدی اختیاری به کل دارایی‌ها به عنوان شاخص کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی است. این نتایج با پژوهش مهرانی و پروائی (۱۳۹۳) سازگار و با نتایج پژوهش علی و همکاران (۲۰۰۷) ناسازگار است. در توجیه این مساله، مهرانی و پروائی (۱۳۹۳) ابراز داشته‌اند که مدیران و مالکان عمده در شرکت‌های خانوادگی، بالا بودن کیفیت افشا را عامل اثرگذاری در قیمت سهام نمی‌دانند. سرمایه‌گذاران واکنشی نسبت به کیفیت افشای بالاتر نشان نمی‌دهند، به همین دلیل از آنجا که نامتقارنی اطلاعاتی برای آن‌ها کاهش یافته است، ضرورتی در کاهش آن برای مالکان اقلیت و سرمایه‌گذاران بالقوه نمی‌بینند.

آزمون فرضیه دوم

نتایج مربوط به مقایسه سطح افشای داوطلبانه شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیه دوم									
آزمون برای میانگین t							آزمون برابری واریانس لون		فرض برابری واریانس‌ها
فاصله اطمینان اختلاف در سطح ۹۵٪		خطای استاندارد اختلاف	میانگین اختلاف	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره t	معناداری	آماره F	
بالا	پایین								
۰/۰۰۱۰	-۰/۰۹۶۹	۰/۰۲۴۷	۰/۰۴۷۹ -	۰/۰۵۵	۱۰۳	-۱/۹۳۹	۰/۷۵۱	۰/۱۰۱	برابری واریانس‌ها
۰/۰۰۱۵	-۰/۰۹۷۳	۰/۰۲۴۵	۰/۰۴۷۹ -	۰/۰۵۷	۴۵/۸۱۵	-۱/۹۵۲	-	-	برابر نبودن واریانس‌ها

نتایج آزمون لون شامل آماره f (۰/۱۰۱) و سطح معناداری (۰/۷۵۱)، مندرج در جدول شماره ۳، بیانگر این است که واریانس گروه شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی با هم برابر است. بنابراین، برای مقایسه میانگین این دو گروه شرکت، باید از مقدار t مستقل در حالت تساوی واریانس‌ها استفاده کرد.

از آنجا که سطح معناداری (۰/۰۵۵) بیشتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است، فرضیه برابری سطح افشای داوطلبانه در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی رد نشده و در نتیجه بین سطح افشای داوطلبانه در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی تفاوت معناداری وجود ندارد. این نتایج با نتایج پژوهش‌های چن و همکاران (۲۰۰۸) و چو و گری (۲۰۱۰) ناسازگار است. این نتیجه می‌تواند حاصل همگرایی زیاد منافع مدیریت و مالکان در شرکت‌های خانوادگی باشد که امکان تقاضا برای اطلاعات اضافی و در نتیجه، افشای داوطلبانه را کاهش می‌دهد. هم‌چنین، مالکان خانوادگی مدیریت را برای افشای اطلاعات فراتر از استانداردهای حسابداری (افشای داوطلبانه) تحت فشار قرار نمی‌دهند، زیرا اعتقاد دارند گزارش این اطلاعات به رقبای شرکت کمک خواهد کرد و مزیت‌های رقابتی شرکت را به مخاطره خواهد انداخت.

بحث و نتیجه‌گیری

تفاوت هزینه‌های نمایندگی نوع اول و دوم در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی منجر به تفاوت فعالیت‌ها و ابعاد افشا در این شرکت‌ها می‌شود. در این پژوهش، دو جنبه اصلی افشا شامل کیفیت گزارشگری مالی و سطح افشای داوطلبانه در شرکت‌های

خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مقایسه شده است. فرضیه اول به بررسی تفاوت بین کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی اختصاص دارد. با توجه به سطح معناداری آزمون (۰/۰۵۲) و رد نشدن فرض صفر مبنی بر برابری میانگین نسبت جمع ارقام تعهدی اختیاری به کل دارایی‌ها، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی در بحث کیفیت افشا تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. در فرضیه دوم، تفاوت سطح افشای داوطلبانه در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به سطح معناداری آزمون (۰/۰۵۵)، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که سطح افشای داوطلبانه در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی تفاوت معناداری ندارد.

این نتایج نمی‌تواند از فرضیه تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر کیفیت و دامنه افشا حمایت کند. علی و همکاران (۲۰۰۷: ۲۸۱) بر لزوم لحاظ تفاوت‌های ساختاری کشورهای مختلف در بررسی تفاوت دامنه افشا بین شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی تأکید می‌کنند. برای نمونه قوانین و مقررات مربوط به حفاظت از حقوق سهامداران و هم‌چنین ضمانت اجرایی آن در کشورهای مختلف متفاوت است. در ایران متأسفانه به دلیل شفافیت کم و ضعف مسئولیت پاسخگویی، ساختارهای راهبری شرکتی در وضعیت مناسبی نمی‌باشد. به نظر می‌رسد تمرکز مدیران ایرانی بر محدوده افشای الزامی پیشنهادی از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار و سایر مراجع قانونی و کم‌توجهی آنان به نیازهای واقعی و جدید استفاده‌کنندگان، منجر به تشابه کلیه شرکت‌ها (اعم از خانوادگی و غیرخانوادگی) در حوزه افشای داوطلبانه شده است.

با توجه به نتایج فرضیه دوم پژوهش مبنی بر متفاوت نبودن سطح افشای داوطلبانه در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی می‌توان استنباط کرد که در شرکت‌های خانوادگی سهامداران کنترل‌کننده خواهان انحصار در استفاده از مزایای اطلاعات هستند و با افشای اطلاعات داوطلبانه و بهبود کیفیت گزارشگری مالی مخالفت می‌کنند. بنابراین، به سازمان بورس و اوراق بهادار و مراجع تدوین استاندارد پیشنهاد می‌شود به منظور کاهش رانت و نامتقارنی اطلاعات بین سهامداران کنترل‌کننده و غیرکنترل‌کننده و همچنین بهبود کیفیت گزارشگری مالی و شفافیت اطلاعاتی مقرراتی برای بهبود سطح افشا در این گونه شرکت‌ها وضع کند. استفاده از سایر متغیرها برای بررسی سنجش کیفیت گزارشگری مالی

و مقایسه آن در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود. هم‌چنین، در این مقاله از تفاوت هزینه‌های نمایندگی نوع اول و دوم در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی بحث شد. به پژوهشگران آینده توصیه می‌شود تفاوت این دو نوع هزینه‌های نمایندگی را در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی به صورت تجربی آزمون کنند. آزمون نتایج به تفکیک صنایع نیز سودمند است.

یادداشت‌ها

- | | |
|-----------------------------------|--------------------------------|
| 1. Management Information Systems | 2. Lee et al. |
| 3. Blue Ribbon Committee (BRC) | 4. Shleifer and Vishny |
| 5. Ali et al. | 6. Welker |
| 7. Lang and Lundholm | 8. Bid-ask spreads |
| 9. Demsetz and Lehn | 10. Healy and Palepu |
| 11. Fields et al. | 12. Chau and Gray |
| 13. Convergence of interest | 14. Management entrenchment |
| 15. Kumar and Tsetsekos | 16. Wright et al. |
| 17. Morck et al. | 18. Chen et al. |
| 19. Earning warnings | 20. Rajgopal and Venkatachalam |
| 21. Cuadrado-Ballesteros et al. | 22. Rose |
| 23. Levene Test | 24. Chua et al. |

منابع

ثقفی، علی و عرب‌مازار یزدی، مصطفی (۱۳۸۹)، کیفیت گزارشگری مالی و ناکارایی سرمایه‌گذاری، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره ششم، صص. ۲۰-۱.

حساس یگانه، یحیی و باغومیان، رافیک (۱۳۸۴)، حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی، حسابداری رسمی، شماره ویژه، صص. ۸۶-۴۵.

خواجوی، شکراله و بایزیدی، انور و جبارزاده کنگرلویی، سعید (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های درمانده و غیردرمانده مالی در بورس اوراق

- بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره ۳، صص ۶۸-۵۳.
- ستایش، محمدحسین و غلامی، رضا و کریمی پور، عیسی (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین مدیریت سود، بازده حقوق صاحبان سهام، و اندازه شرکت با سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله نظریه‌های نوین حسابداری، سال دوم، شماره ۲، پیاپی ۴، صص ۸۸-۷۳.
- سجادی، سیدحسین و زراءنژاد، منصور و جعفری، علیرضا (۱۳۸۸)، ویژگی‌های غیرمالی مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۷، صص ۶۸-۵۱.
- عرب‌مازار یزدی، محمد و طالبیان، سید محمد (۱۳۸۸)، کیفیت گزارشگری مالی، ریسک اطلاعاتی و هزینه سرمایه، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۲۱، صص ۳۰-۱.
- عزیزی، محمد و سلمانی بیدگلی، مسعود (۱۳۹۵)، تأثیر اعتماد بر عملکرد شرکت خانواده‌گی، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، شماره ۱۸، صص ۵۰-۲۵.
- کاشانی پور، محمد و رحمانی، علی و پارچینی پارچین، سید مهدی (۱۳۸۸)، رابطه بین افشای اختیاری و مدیران غیرموظف، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۷، صص ۱۰۰-۸۵.
- کمیته فنی سازمان حسابرسی (۱۳۸۱)، استانداردهای حسابداری، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی، نشریه شماره ۱۶۰.
- مشایخی، بیتا و مهران، ساسان و مهران، کاوه و کرمی، غلامرضا (۱۳۸۴)، نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، صص ۷۴-۶۱.
- مقدم، عبدالکریم و احمدی نژاد، مصطفی و جوانمردی، سلطان (۱۳۹۱)، رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و پراکندگی بازده غیرعادی سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره ۳، صص ۳۴-۱۹.
- موسوی شیری، محمود و صالحی، مهدی و شرف دوست، فاطمه (۱۳۹۴)، مالکیت

- خانوادگی، غیرخانوادگی و هزینه نمایندگی، فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۶، صص ۳۴-۱۶.
- مهرانی، کاوه و پروائی، اکبر (۱۳۹۳)، کیفیت افشای در شرکت‌های خانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۴، صص ۵۴۰-۵۲۷.
- مهدوی، غلامحسین و علیزاده طلائی، وحید (۱۳۹۴)، بررسی رابطه‌ی بین حاکمیت شرکتی و سطح افشای داوطلبانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله‌ی پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره هفتم، شماره اول، پیاپی ۶۸/۳، صص ۲۳۰-۲۰۳.
- نمازی، محمد (۱۳۸۹)، پژوهش‌های تجربی در حسابداری: دیدگاه روش‌شناختی، چاپ دوم، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- نمازی، محمد و محمدی، محمد (۱۳۸۹)، بررسی کیفیت سود و بازده شرکت‌های خانوادگی غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پیشرفت‌های حسابداری، شماره دوم، صص ۱۹۴-۱۵۹.
- Ali, A., Chen, T. and Radhakrishnan, S. (2007). Corporate disclosures by family firms. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 44, pp.238-286.
- Anderson, R. and Reeb, D. (2003). Founding-family ownership and firm performance: Evidence from the S&P 500. *Journal of Finance*, pp. 1301-1328.
- Chen, S., Chen, X. and Cheng, Q. (2008). Do family firms provide more or less voluntary disclosure? *Journal of Accounting Research*, Vol. 46, No. 3, pp. 499-536.
- Cheng T. Y. and Firth, M. (2000). An empirical analysis of the bias and rationality of profit forecasts published in new issue prospectuses. *Journal of Business Finance & Accounting*, 27: pp. 423-446.
- Chau, G. and Gray, S. J. (2010). Family ownership, board independence and voluntary disclosure: Evidence from Hong Kong. *Journal of*

- International Accounting, Auditing and Taxation*, Vol. 19, pp. 93-109.
- Chua, J. H., Chrisman, J. J. and Sharma, P. (1999). Defining the family business by behavior. *Entrepreneurship Theory & Practice*, Vol. 23(4), pp. 19-39.
- Cuadrado-Ballesteros, B., Rodri'guez-Ariza, L. and Garcí'a-Sa'nchez, I. (2015). The role of independent directors at family firms in relation to corporate social responsibility disclosures. *International Business Review*, No. 24, pp. 890-901.
- Demsetz, H., and Lehn, K. (1985). The structure of corporate ownership: causes and consequences. *Journal of Political Economy*, Vol. 93, pp. 1155-1177.
- Fields, T. D., Lys, T. C. and Vincent, L. (2001). Empirical research on accounting choice. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 31, pp. 255-307.
- Hashim, H. A. (2011). Corporate disclosures by family firms: Malaysian evidence. *Journal of Business and Policy Research*, Vol. 6. No. 2. pp. 111-125.
- Healy, P., and Palepu, K. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: a review of the empirical disclosure literature. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 31, pp. 405-440.
- Healy, P., Hutton, A. and Palepu, K. (1999). Stock performance and intermediation changes surrounding sustained increases in disclosure. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 16, pp. 485-520.
- Kaszniak, R. and Lev, B. (1995). To warn or not to warn: Management disclosures in the face of an earnings surprise. *The Accounting Review*, Vol. 70 (1), pp. 113-134.
- Kumar, P. C. and Tsetsekos, G. P. (1993). Managerial ownership and stock price reaction to bond downgrades. *Applied Financial Economics*, No. 3, pp. 357-364.
- Lang, M., and Lundholm, R. (1996). Corporate disclosure policy and analyst behavior. *The Accounting Review*, Vol. 71, pp. 467-492.
- Lee, Y., Strong, D. M., Kahn, B. K. and Wang R. Y. (2002). AIMQ: A methodology for information quality assessment. *Information & Management*, No. 40, pp. 133-146.
- Morck, R., Shleifer, A. and Vishny R. W. (1988). Managerial ownership and market valuation: An empirical Analysis. *Journal of Financial Economics*, Vol. 20, pp. 293-315.

-
- Rajgopal, S. and Venkatachalam, M. (2011). Financial reporting quality and idiosyncratic return volatility. *The Journal of Accounting and Economics*, No. 51, pp. 1-20.
- Rose, C. (2016). Firm performance and comply or explain disclosure in corporate governance. *European Management Journal*, Vol. 34, pp. 202-222.
- Shleifer, A., and Vishny, R. (1997). A survey of corporate governance. *Journal of Finance*, Vol. 52, pp. 737-783.
- Skinner, D. (1994). Why firms voluntarily disclose bad news? *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 32, pp. 38-60.
- Welker, M. (1995). Disclosure policy, information asymmetry, and liquidity in equity markets. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 11, pp. 801-827.
- Wright, P., Ferris, S. P., Sarin, A. and Awasthi, V. (1996). Impact of corporate insider, blockholder and institutional equity ownership on firm risk taking. *Academy of Management Journal*, Vol. 39, pp. 441-463.